

# کارکردهای نوروز در حفظ صلح جهانی

نویسنده: سید عبدالمجید زواری، مدیر اندیشکده روابط بین الملل

زکوی یار می آید نسیم باد نوروزی

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل بر افروزی

«حافظ»

هفتم فروردین سال ۱۹ جهان شاهد برگزاری نخستین جشن جهانی نوروز در مجموعه سعدآباد تهران بود. در این آیین باشکوه که روسای جمهور ایران، تاجیکستان، ترکمنستان، افغانستان، عراق، معاون نخست‌وزیر ترکیه و وزیر امور خارجه آذربایجان در آن شرکت داشتند، ثبت جهانی نوروز به‌عنوان میراث معنوی بشری در سازمان یونسکو و اعلام ۲۱ مارس به‌عنوان روز بین‌المللی نوروز از سوی مجمع عمومی سازمان ملل گرامی داشته شد. این ابتکار سازمان ملل که نشان از اهمیت و جایگاه والای این آیین باستانی دارد، نویدبخش روزهای بهتر برای فرهنگ و تمدن باشکوه ایرانی اسلامی و توجه بیشتر به ظرفیت‌های بالای آن در سطح جهان است. کارکردهای نوروز در زمینه توسعه صلح جهانی و تشکیل اتحادیه کشورهای آریایی از جمله مباحثی است که بیش از دیگر مسایل مورد توجه واقع شده است. از همین رو این جستار در صدد است از منظری نو چگونگی امکان این نظریه‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

نوروز از جمله آیین‌هایی است که قدمتی دیرین و گستره‌ای وسیع دارد. بیش از سه هزار سال است که مردمان بخش‌های وسیعی از جهان از جمله منطقه بالکان، دریای سیاه، آسیای مرکزی، بخش‌هایی از هند، اروپا، قفقاز و خاورمیانه با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ میلیون نفر، فرا رسیدن بهار را در ابعاد ملی و منطقه‌ای جشن می‌گیرند و نوروز را به‌عنوان مبنای سال جدیدشان قرار داده‌اند.

ریشه‌های نوروز به اساطیر باز می‌گردد و دلیل و زمان پیدایش آن مشخص نیست، با این حال به‌رغم فراز و فرودهای مختلف تاریخی، نوروز همیشه ماندگار و پابرجا بوده و به دلیل بهره‌مندی از ویژگی‌هایی همچون ارتباط منطقی با نظام طبیعت، پاسداشت اخلاق انسانی، احترام به والدین و بزرگ‌ترها، تقویت و تکریم روابط عاطفی اجتماع، ارج نهادن به کانون خانواده و دمیدن روح نشاط و انگیزه برای خدمت بیشتر به هم‌نوعان همواره از گزند طوفان حوادث مصون مانده است. نوروز ما را به طرد بداندیشی و دشمنی‌ها و روی آوردن به پاکی‌ها و استقبال از همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها دعوت می‌کند.

این ارزش‌ها که کارکردهای ویژه‌ای در حفظ صلح و تحکیم دوستی ملت‌ها و فرهنگ‌ها دارند موضوعی است که پس از ثبت جهانی نوروز بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته‌اند و فرصت‌های بی‌بدیلی را پیش روی ایران به‌عنوان اصلی‌ترین خاستگاه نوروز قرار داده است. اکنون این سوال مطرح است که چگونه می‌توان از این پتانسیل‌های بالقوه بهره‌برداری کرد و آن‌ها را در راستای اهداف ایرانی اسلامی خود بکار گرفت. آیا با توجه به اهمیت و نقش فرهنگی گسترده نوروز می‌توان از آن به‌عنوان یک عامل فرهنگی - سیاسی برای اعمال دیپلماسی فرهنگی در راستای همگرایی‌های منطقه‌ای بهره گرفت؟ آیا جشن‌ها و آئین‌های نوروزی که دارای اندیشه‌ها و آرمان‌های انسانی و یزدانی است، توانایی آن را دارد که ملل و اقوام گوناگونی را که بدان باور داشته و همه ساله آن را برپا می‌دارند به هم نزدیک سازد؟ این وظیفه را کدام کشور یا ملتی می‌تواند به انجام برساند؟

## نوروز و فرصت‌های پیش رو

نوروز یکی از عناصر فرهنگی ایرانی است که در چند دهه اخیر بیش از هر زمانی توانسته است به خارج از مرزهای سرزمین ایران بزرگ یا سرزمین‌های حوزه فرهنگ ایرانی - یعنی آسیای مرکزی، هند، و کشورهای شبه‌قاره -

گسترش یابد. این فرآیند را می‌توان فرایند جهانی‌شدن مجدد نوروز نامید؛ چرا که پیش‌ازین نیز در دوره‌ای از تاریخ نوروز گستره‌ی جهانی داشته است. در حقیقت اگرچه نوروز از جهاتی جشنی منطقه‌ای و سرزمینی شناخته می‌شود اما همواره گستره‌ای بیش از ایران داشته است. از این منظر می‌توان دو مرحله اساسی در تاریخ نوروز را از هم تفکیک کرد. نخست دوره باستانی که تقریباً در تمام جهان متداول بوده ولی با رواج مسیحیت و ظهور اسلام گستره آن محدود می‌شد. دوم، دوره اخیر که همگام با فرآیند جهانی‌شدن و مهاجرت اقوام ایرانی از ایران، افغانستان، تاجیکستان و آسیای مرکزی به کشورهای غربی و سراسر جهان، مجدداً آیین‌های نوروز در بیشتر کشورها توسط این مهاجران برپا می‌شود و ثبت جهانی این آیین نمونه‌ای از اثربخشی این فرآیند است. در چنین شرایطی است که به فرموده مقام معظم رهبری نوروز به‌عنوان نماد نوآوری، طراوت، نشاط و مهربانی می‌تواند به‌عنوان فرصت انتقال و صدور ارزش‌های والای فرهنگی شرق به ملت‌های غربی مغتنم شمرده شده و به‌عنوان هدیه‌ای از جانب ملت‌های حوزه نوروز به دیگر ملت‌ها معرفی گردد. در واقع پاسداشت بیداری طبیعت و آغاز سال نو بر مبنای محاسبات دقیق نجومی که ناشی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی در دامان طبیعت بود، خود به‌تنهایی ارمغانی شایسته و بی‌بدیل است که ایرانیان باستان برای جامعه بشری به یادگار گذاشته‌اند.

با این حال ایران یکی از پیشروترین کشورهای چندفرهنگی جهان است که بیش از دویست نوع قوم، قبیله و ایل و تبار و طایفه از کرد و بلوچ و ترک گرفته تا عشایر خوزستان و بوشهر، هزاران سال است که در کنار یکدیگر زندگی کرده و با عشق نوروز را گرمی داشته و از ایران سرفراز پاسداری می‌کنند. در نوروز کینه، نفرت و دشمنی جایگاهی ندارد و باید همه از آن دوری کنند. بنابراین با توجه به عطش جهان امروز برای تعامل و دستیابی به صلح، توجه به ارزش‌های والا و روحانی نوروز می‌تواند بیش‌ازپیش پیام‌آور دوستی، محبت، تعامل، همفکری و همکاری و در یک کلام دستیابی به گوهر تابناک انسانیت در جهان باشد.

جان کلام اینکه اشتراک در مبانی اعتقادی و به‌تبع آن آیین‌ها و رسم‌هایی که بر بنیاد این مبانی پدید می‌آیند محکم‌ترین پیوندها را میان گروه‌های انسانی ایجاد می‌کند. این مشترکات هر چه کهن‌تر و ریشه‌دارتر باشد و به‌ویژه اگر از پیوستگی تاریخی برخوردار باشند در وفاق و همبستگی میان گروه‌های انسانی اثربخش‌تر خواهند بود. بنابراین نوروز با توجه به همه ویژگی‌های وحدت‌آفرین و عدم وابستگی به هیچ گروه خاصی می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم در نزدیکی و پیوند مردمان فرهنگ‌های مختلف ایفای نقش نماید. نقشی که هنوز زنده و پویا است و به‌عنوان راز ماندگاری و گسترش نوروز مطرح می‌شود.

تشکیل اتحادیه آریایی تبارها از دیگر مواردی است که پس از ثبت جهانی نوروز از سوی برخی مجامع مطرح می‌شود. هم‌اکنون اتحادیه‌های متعددی بر پایه مختصات جغرافیایی خاص، ویژگی‌های نژادی، یا همگونی‌های فرهنگی و تاریخی، در مناطق مختلف جهان شکل گرفته است. تجربه این اتحادیه‌ها نشان داده است که با تشکیل این اتحادیه‌ها علاوه بر همگرایی و هم‌اندیشی منطقه‌ای بنیه اقتصادی، دفاعی و جایگاه سیاسی این کشورها نیز بسیار تقویت شده است.

در همین راستا خلاء وجود اتحادیه کشورهای هم فرهنگ و هم ریشه آریایی تبار در منطقه آسیای میانه و غربی به شدت احساس می‌شود و تشکیل این اتحادیه می‌تواند تقویت کننده ثبات و همکاری و صلح پایدار در این منطقه از جهان باشد؛ چرا که مردم این منطقه از اشتراکات تاریخی، فرهنگی و سنتی بسیاری برخوردار هستند و پراکندگی و جدایی آن‌ها هم نه به خواست آن‌ها، که ناشی از توطئه استعمارگران انگلیس و روسیه در طول ۲۰۰ سال گذشته بوده است. بنابراین ایجاد اتحادیه‌ای سیاسی جغرافیایی با رویکرد همگرایی منطقه‌ای سبب‌ساز ایجاد نوعی همگرایی فرهنگی، هویتی و اقتصادی بین مردم ملتی می‌شود که در تاریخ پرفراز و نشیب فلات ایران، در کنار هم زیسته‌اند و از عناصر فرهنگی و تمدنی مشترکی (مانند نوروز، زبان پارسی و سایر زبان‌های آریایی و شخصیت‌های اساطیری، فرهنگی و تاریخی مشترک) بهره می‌برند.

کشورهای مورد نظر، یازده کشور ایران، افغانستان، تاجیکستان، پاکستان، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، قزاقستان و قرقیزستان و نیز بحرین و مناطق نیمه مستقل اقلیم کردستان عراق و مناطق شمال قفقاز از جمله داغستان و اوستیا هستند که مردمانشان با فرهنگ و تاریخ مشترک هزاران سال در کنار هم زیسته و در سده‌های گذشته، در کشاکش رقابت‌ها و توطئه‌های استعماری از هم جدا شده‌اند.

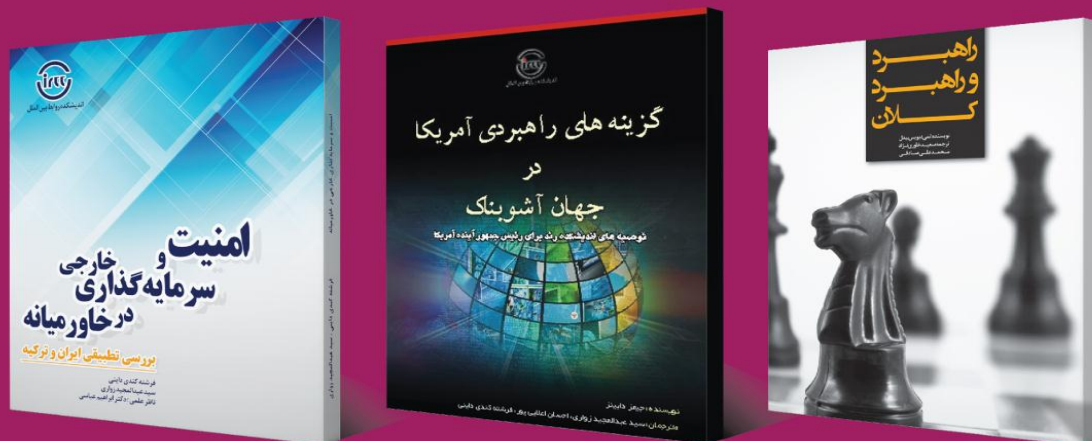
در این میان جایگاه ژئوپلتیک، ژئوکالچر، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک ایران، این بستر را فراهم می‌سازد که کشورمان محور اصلی این اتحادیه باشد؛ چرا که باوجود تشکیل کشورهای جدید در مناطق جدا شده از ایران، نه تنها پیوندهای معنوی آن‌ها با سرزمین مادری خود گسسته نشده بلکه حتی پس از تحولات دو دهه اخیر در منطقه، این علایق و پیوندها بسیار گسترده‌تر هم شده است. بنابراین با قدرتمند شدن ایران این مهم می‌تواند بستر مناسبی برای شکل دادن و پایه‌ریزی اتحادیه منطقه‌ای فلات ایران با محوریت تاریخ و میراث مشترک چند هزارساله موجود را فراهم آورد.

البته باید توجه داشت که منظور از تشکیل اتحادیه، حل شدن این کشورها در یکدیگر و از دست دادن استقلال در حوزه‌های اساسی شکل حکومت، نوع نظام قدرت، اصالت و یا هویت بومی، زبانی، آئینی و مذهبی نیست، بلکه این کشورها می‌توانند ضمن حفظ و یا تغییر ساختار خود در حوزه‌های مختلف داخلی، روی زمینه‌های هم‌گرایی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تبادلات اجتماعی کار کرده و به وحدت عمل برسند. به‌عنوان مثال؛ سرمایه‌گذاری‌های مشترک، تحقیقات مشترک علمی، برنامه‌ریزی‌های مشترک فرهنگی، نظام آموزش مشترک تا سطح دانشگاه، برداشتن تعرفه‌های گمرکی، سهولت رفت‌وآمد اتباع بدون نیاز به گرفتن روادید، طراحی نظام مالیاتی مشابه، نظام مشترک بانکی و پولی ( پول واحد )، بازار نیروی کار مشترک و قوانین مشابه، همکاری‌های امنیتی، نظام واحد گردشگری، تشکیل شورای واحد سیاست خارجی اتحادیه، تشکیل مجلس مشترک اتحادیه، برقراری پیمان مشترک دفاعی، و بسیاری زمینه‌های دیگر که در اتحادیه‌های مختلف در سطح جهان تجربه شده و سودمندی آن‌ها به اثبات رسیده می‌تواند در این اتحادیه به کار گرفته شود.

یک پرسش اساسی که برخی آریایی تباران غیر ایرانی فلات ایران مطرح کرده‌اند نام این اتحادیه است. با توجه به این که ایران بزرگ تاریخی، همه سرزمین‌ها و اقوام و زبان‌های متنوع واقع در فلات ایران را در بر می‌گیرد و محدوده شناخته شده رسمی فعلی کشور ایران در بخشی از ایران بزرگ قرار دارد بنابراین باوجود نام‌هایی چون اتحادیه فلات ایران، اتحادیه کشورهای آسیای جنوب غربی، اتحادیه کشورهای وارث تمدن ایرانی، اتحادیه ایران بزرگ، اتحادیه آریانا، اتحادیه کشورهای آریایی نژاد و... هر یک از کشورهای این منطقه ممکن است انتقاداتی به هر یک از این نام‌ها داشته باشند که ریشه در نام‌گذاری فعلی جغرافیایی یا زبان رسمی متداول در هر یک از این کشورها دارد.

بنابراین در آستانه رویداد بین‌المللی ثبت جهانی نوروز، بسیار به‌جا خواهد بود همه علاقه‌مندان به تشکیل این اتحادیه از میراث مشترک نام زیبا و پرمعنای " اتحادیه نوروز " برای اتحادیه کشورهای آریایی تبار واقع در فلات ایران استفاده کنند که علاوه بر این که یادآور پیشینه سترگ تاریخی فرهنگی مشترک ما است، مورد پذیرش همه کشورهای یازده‌گانه و سایر مناطق نیمه مستقل واقع در این منطقه بود و اختلاف نظری درباره آن وجود نخواهد داشت.

برای تهیه محصولات به فروشگاه اندیشکده مراجعه کنید  
www.irthink.com



تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۵۶۴۵۴۶۳  
پست الکترونیکی: irtt.ir@gmail.com  
www.irthink.com

